

های قهر آمیز همواره حاکمیت را از جامعه مدنی تمایز می‌سازد. ولی حاکمیت که به تغییرات در نیروهای جوان و تازه نفس اجتماعی و ظهور مفاهیم سیاسی جدید در جامعه توجه نداشته باشد، بزوی اعتبار خود را از دست داده و به دولت مستعجل بدل می‌شود. قدرت و قلمرو حاکمیت درست در جایی که کار و زندگی مدنی شروع می‌شود، پایان می‌یابد. شوراهای تعاوینها، باشگاهها، گروههای نیکوکاری، انتشارات مستقل، بنگاههای اقتصادی، بانکهای غیر دولتی، همه میتوانند به ماهیت پراکنده و محلی و گسته (قدرت مردم) شکل داده و توان خوفناک حاکمیت را تعديل یا کنترل نمایند. تحولات سیاسی و جنبش‌های اجتماعی نشان میدهد که مرزهای قدرت حاکمیت تا حد زیادی بوسیله میازره جامعه مدنی تعین می‌گردند، زیرا در واقع این جامعه مدنی است که مرزهای زندگی سیاسی را با حضور یا غیبت خویش تعین می‌کند. حاکمیت مستبد همواره میکوشد تا جامعه مدنی را سرکوب کند، زیرا وجود جامعه مدنی یکی از ویژگیهای جوامع دموکراتیک است و در تئوریهای دموکراسی روی احیای جامعه مدنی بعنوان یکی از لوازم حیاتی دموکراسی تاکید می‌شود، در نتیجه احیای جامعه مدنی رانمی‌توان از یک طرح رهایی بخش حذف نمود. امروز، ایران مان‌با یک کانون فعالیت اندیشه تبدیل شده، و اگر رقبابت سیاسی بدليل وجود راهنمای قدرت و نور چشمی‌ها و آتا زاده‌ها، در تنگنا قرار گرفته، خوشبختانه زمینه برای رقابت فکری تا حدودی باز است و نیروهای اجتماعی میتوانند ضمن حفظ فاصله کافی و آبرومند از دستگاه‌آبرویزی که، بگفته آدام اسمیت، در تمام ادوار تاریخ با شعار شرم اور "همه چیز برای ما و هیچ چیز برای مردم"، در حضیض بربریت بوده است، به شکوه و رونق و پویایی فرهنگی جامعه کمک کنند. از آنجا که فرد تنها، توان ایستادگی در برابر مشکلات راندار، رمز پیشرفت و توسعه در جامعه مدنی نهفته است. جامعه مدنی فرد را در برابر قدرت عربان رهایی از جباریت تدارک روزنمی توان انقلاب جدیدی را برای رهایی از جباریت می‌کند و چون هر روزنمی توان این اساسی موافق به اجرای آن نشده است. در جهان امروز، رفتار حکومت تابع مهار داری همگانی قدرت است، و امور همگانی برخلاف شکلهای پیشین حکومت که در آن سیاست و سلطنت یکی گرفته بیشند، امروزه حتاً در خارج از مرزهای مشخص دولت، شکل سیاسی بخود میگیرد و این فضای خارج از مرزهای مشخص دولت، ایجاد و تقویت نهادهای مدنی است. البته ساکنان جامعه مدنی باید دائم از مرزهای خود در برابر تجاوز های حاکمیت پاسداری کنند، زیرا هیچ سد دیگر برای مقابله با حاکمیت وجود ندارد، و بگفته جان کارن: خداوند آزادی را بشرط مراقبت ابدی به انسان اهدا کرده است.

هرمز ممیزی

بمراتب وحشیانه تر از نظام قبلی شده اند. نظامهای توتالیتر همیشه از بعranهای شدید موجود در جامعه متولد شده اند زیرا در شرایط آشوب زدگی، قشر لمپن با تفکر قبیله گرایی بشرکت در امور سیاسی و اقلایی کشیده می‌شوند، بی‌آنکه اموزش و آگاهی درستی از اداره امور جامعه داشته باشد. در نتیجه، آنها بجز به ریشه کن کردن همه چیز موجود نمی‌اندیشن. فهم این وضعیت که انقلاب‌ها، گذشته از هزینه گراف، همواره با ایجاد جامعه توده ای مشکل تازه و خطراکتری از مضلات قبلی بنام توتالیتاریزم می‌گسترنند، توجه به ضرورت ایجاد و حمایت از نهادهای جامعه مدنی را بعد از حدود ۵۰ سال، که گفتمان جامعه مدنی در جهان تقریباً فراموش شده بود، ابتداء در لهستان، فیلیپین و شیلی، و سپس در ترکیه، مصر، اردن، کویت و اکنون در ایران مطرح شده است.

وقتی حاکمیت برای تداوم اقتدار سیاسی خود، جامعه را به خودی و غیر خودی، شهر و ندان را به درجه یک و دو، و انسانها را به ازد و برد تقسیم می‌کند، و با وضع قوانین مستخرج از دوران جاگه‌لیت قوم عرب، از بروز و ظهور نوآوریهای خلاق بشدت جلوگیری مینماید، مردم باینگان‌گاری جامعه مدنی در مقیاسهای کوچک به تمرين مقابله با قوه قوه ای که فعلاً بجای سه قوه مقتنه، مجریه و قضائی نشسته، می‌پردازند و با ایجاد تدریجی نوعی منطقه آزاد سیاسی، در درون ساختار بسته و خلقان اور و آلوهه به ذرات دود و دم استبداد جمعی، هوایی تازه میدمند. در شرایط ناشی از حاکمیت زور، سیار طبیعی است که حزبها پا نمی‌گیرند، روزنامه‌ها یا منتشر نمی‌شوند و یا به اینترنت پناه می‌برند و روزنامه‌نگاران و نویسندهای عوکسان و هنرمندان اگر ترور نشوند، به زندان می‌افتد. توسعه جامعه مدنی برآمده از خواسته‌های فزاینده گروههای اجتماعی گوناگونی است که ندان و به شکوه و رونق و پویایی فرهنگی جامعه کمک کنند. می‌دانند و رفتار خشن دوستی این اندیشه را اورونه نموده و رفارم دیدند، این کار را بوسیله "طابان و القاعده" انجام می‌دهند. که اینها خود بهترین ابزار در دست خود کامگان جهان، حتاً در آغاز قرن بیست و یکم، می‌باشدند.

از سوی دیگر، جامعه مدنی به نهادهایی اطلاق می‌شود که داوطلبانه، خودجوش، خود کفا، پایینده و قوانین و از همه مهمتر کاملاً مستقل از دولت عمل کرده و از نقطه نظر اجتماعی بعنوان میانجی بین قلمرو خصوصی و دولت ایستاده اند و اصلی ترین نقش آن جلوگیری از این باشت خطر خیز قدرت، در دست یکنفر یا یک گروه، و توجه به کثیر گرایی و سهیم کردن قشرهای گوناگون می‌گیرد، زیرا جامعه مدنی برآمده از ترور دولت است. هکل، جامعه مدنی را تابع دولت میدانند، در حالیکه مارکس این اندیشه را اورونه نموده و رفارم دیدند را ناشی از تحولات درونی جامعه مدنی ارزیابی کرد. اما واقعیت امروز اینست که اندیشه مردم‌سالاری بر اهمیت جامعه مدنی تکیه دارد، زیرا این جامعه مدنی است که تدریج اوضاعی سیاسی کنترل کننده رفتار خشن دولت را بوجود می‌آورد. اما باید توجه داشت که ققدان اوضاعی سیاسی دموکراتیک در درون خود جامعه مدنی، طبعاً تاثیرات محرابی بر کل جامعه و دولت خواهد گذاشت، یعنی اگر جامعه مدنی، بجای بودن عرصه ای برای نمایش دموکراسی، به سرکوب اعضای خود پردازد، طبعاً در آین صورت، نیاید انتظار داشت که در کشور دولتی دموکراتیک پا بگیرد. وجود یک دولت دموکراتیک، مستلزم یک جامعه مدنی دموکراتیک است، و نبود دموکراسی در جامعه مدنی، قطعاً تووانایی آن برای دموکراتیک ساختن دولت از میان می‌برد. در ایران و دیگر کشورهایی که جامعه مدنی در آنها ناتوان است، اغلب اتفاق افتاده که مردم برای رهایی از استبداد سنتی، با شعار آزادی دست به تظاهرات، جنبش و حتی انقلاب‌های مکرر زده اند، اما نهایتاً بجای دموکراسی گرفتاریک نظام توتالیت، با شرایطی

حاکیت با گسترش کم سابقه موج دستگیریها کشور را به کجا می‌برد

موج گسترش دستگیریها که از روزهای پیش از سالگرد هجدهم تیرماه آغاز گردیده همچنان با شتابی فزاینده ادامه دارد. روزی نیست که از میان دانشجویان، فعالان سیاسی، روزنامه‌نگاران، رادیو جریانهای اطلاعاتی غیر رسمی افرادی دستگیری با احصار نگردن و روانه زندانها شوند. با دیگر جریانهای اطلاعاتی غیر رسمی و موازی با وزارت اطلاعات به گونه‌ای غیرمنتظره فعل گشته و بدون آگاهی وزارت‌خانه مذکور و گاه بصورتی بسیار خشن ایجاد و حشمت در جامعه به بازداشت افراد می‌پردازند و به زندانهای نامشخص می‌برند. خانواده بیشتر بازداشت شدگان از محل آنها بی خبرند و به وکیلان آنها نیز اجازه ملاقات را نمی‌دهند. نحوه برخورد یا بازداشت شدگان و آنچه که در باره بازجویی ها در جامعه بارزتاب یافته، همگان را دچار شویش ساخته و جامعه ایران بشدت ملتهد است. در روزهای اخیر جریانهای اصلاح طلب و شمار زیادی از نمایندگان مجلس که از پس پرده بی خبر نیستند، بشدت از آنچه در جریان است ابراز نگرانی کرده، طی بیانه‌هایی به جریان گسترده